

خبرها

کیسه‌ای برای موسیقی ندوخته‌ام



مهر : آلبوم «عشق استاد» که قرار بود به خاطر علاقه‌مندی به استاد شجریان منتشر شود را با عنوان دیگری منتشر می‌کنم. علیرضا افتخاری با بیان این مطلب گفت: قرار بود آلبوم «عشق استاد» را به نشانه اعتراض به خبرهای دروغ بعضی از سایت‌ها منتشر کنم، اما به علت اینکه بعضی از روزنامه‌ها نوشتند که «عشق خشک و خالی که عشق نیست و بهتر است این اثر برای حمایت از پروژه باغ پم بیرون بیاید»، این اثر را با عنوان دیگری منتشر می‌کنم. او گفت: این اثر موسیقایی شامل هشت تصنیف از آهنگ‌های محلی خراسان است که حسن میرزاخانی آن را تنظیم کرده است. این هنرمند افزود: البته چون از ابتدا قرار نبود که این اثر برای حمایت از پروژه بم منتشر شود و همچنین برای اینکه بعضی‌ها نگویند که اسم استاد شجریان دستاویزی برای فروش پالاست، اسم را تغییر خواهد داد. وی با تأکید بر اینکه برای موسیقی کیسه‌ای ندوخته‌ام است، تصریح کرد: زندگی من از طریق ساختمان‌سازی می‌چرخد. من برای یک آلبوم فقط و فقط دستمزد می‌گیرم و اگر یک اثر فروش بالایی دارد پول آن به جیب ناشر می‌رود نه من. افتخاری افزود: در تمام فعالیت موسیقایی خود سعی کرده‌ام به گونه‌ای برای فعالیت‌های موسیقایی و شخصی خود برنامه‌ریزی کنم که بر تمام اقشار جامعه نظر دانشجوی، استاد دانشگاه و . . . اثری داشته باشم. این هنرمند با اشاره به اینکه جامعه در برهه کنونی حضور هنرمندان مردمی را می‌طلبد، خاطرنشان کرد: هنرمند مردمی همیشه و در همه احوال با مردم است و در غم و شادی خود را شریک مردم می‌کند. وی عنوان کرد: مولفه‌هایی چون آگاهی از نیازها، شناخت فضا و روحیات مخاطبان و دادن پاسخ مناسب و سریع به نیازها از جمله خصوصیاتی است که یک هنرمند مردمی باید به کار گیرد. به گفته افتخاری، رسانه و به خصوص رادیو و تلویزیون می‌تواند در شناسایی این نیازها به هنرمند بهترین کمک را در کمترین زمان ممکن انجام دهد.

فستیوال مونسارت در دانشگاه تهران

ایستا: کانون موسیقی اداره کل امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه تهران در اقدامی نوین و به مناسبت دیوست و پنجاهمین سالگرد تولد آهنگساز اتریشی «مونسارت» مسابقات نوازندگی و کارگاه‌های آموزش نوازندگی را در قالب «فستیوال موسیقی مونسارت» برگزار می‌کند. این فستیوال با هدف آشنایی نوازندگان جوان با اساتیدردهای بین‌المللی و معیارهای سنجش آکادمیک در نوازندگی موسیقی کلاسیک طراحی شده است که در تاریخ دهم تا پانزدهم تیرماه ۱۳۸۵ برگزار می‌شود. دبیر هنری این فستیوال آذین موحد عضو هیات علمی گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. این فستیوال با پشتیبانی اداره کل امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه تهران و همکاری مدرسه عالی موسیقی گرازر اتریش و انجمن فرهنگی سفارت اتریش در ایران و همچنین پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

کنسرتوویلن بهزاد رنجبران در نیویورک

پرومان اکبرزاده: روز یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۵ (دهم آوریل ۲۰۰۶) کنسرتوویلن ساخته بهزاد رنجبران، آهنگساز ایرانی مقیم آمریکا، به وسیله ارکستر دانشکده موسیقی جولیارد به رهبری جرارد شوارتس (Gerard Schwarz) در نیویورک اجرا خواهد شد. در این برنامه که ویلیام هاروی (William Harvey) تکتوازی ویولن را به عهده خواهد داشت «فالنار» از جرارد شوارتس و سمفونی شماره۵ از مالمز نیز نواخته خواهد شد. کنسرتوویلن رنجبران از سوی جوشیا بل (Joshua Bell) (تکتواز نامدار ویولن) سفارش داده شده که برای نخستین بار توسط خود او با ارکستر فیلارمونیک سلطنتی لیورپول در انگلستان اجرا شد. این کنسرتو که با الهام از موسیقی ایرانی و به ویژه صدای کمانچه آفریده شده جایزه‌ای از انجمن آهنگسازان و ناشران آمریکا را نیز به خود اختصاص داده است. نخستین موموان از کنسرتو حال و هوایی قهرمانانه، دومین موموان شاعرانه و سومین موموان به یک رقص ایرانی شباهت دارد که در آن حالت‌هایی از دستگاه‌های موسیقی ایران به گوش می‌رسد. بهزاد رنجبران (متولد ۱۳۳۴ در تهران) دانش آموخته هنرستان عالی موسیقی، دانشگاه ایندیانا و دانشکده موسیقی جولیارد است که اکنون به تدریس در همین دانشکده نیز اشتغال دارد. آثار وی به وسیله تکتوازان و خوانندگان نامداری چون رنه فلیمنگ، یو یو ما، جوشیا بل و . . . در اروپا و آمریکا به اجرا درآمده است. آخرین اثر منتشر شده او با نام «سه گانه پارسی» دربرگیرنده سه پوئم سمفونیک براساس داستان‌های شاهنامه فردوسی است که به وسیله ارکستر سمفونیک لندن به رهبری جوان فالتا اجرا شده است. رنجبران تاکنون جوایز گوناگونی از بنیادهای فرهنگی هنری ایالات متحده را از آن خود ساخته است.

کارگاه رهبری ارکستر منوچهر صهبایی در تهران

فارس : «منوچهر صهبایی» رهبر ارکستر و استاد کنسرواتوار اتریش، نیمه دوم فروردین ماه مسترکلاس رهبری ارکستر و دوره عالی نوازندگی ابوا و همچنین شیوه اجرای کنسرتوهای موتزارت را در آموزشگاه هنگام برگزار می‌کند که این دوره به صورت فشرده بوده و در هر جلسه عضوهای فعال و غیرفعال حضور خواهند داشت. بنا به این گزارش «صهبایی» به دلیل اینکه امسال آزمون‌ی در خصوص شیوه نوازندگی کنسرتوهای موتزارت در دانشکده موسیقی برگزار می‌شود، در این دوره از مسترکلاس خود این شیوه را نیز آموزش می‌دهد.

منوچهر همایون‌پور خواننده قدیمی تاروهای آخر

عمر تقریباً به هیچ عارضه جسمی ای دچار نبود. فقط

گاه از درد مفاصل می‌نالید و دیگَر عوارضی که مربوط به کِهولت و پیری است. او با روحیه‌ای مثال‌زدنی در ماه آخر عمرش در انتخابات هیات مدیره کانون خوانندگان ایرانی در تالار وحدت و یکی دو برنامه تلویزیونی حضور یافت. در ششمین شب نوروز ۱۳۸۵ و درست در میانه پخش برنامه موسیقی چهار از تلویزیون همایون‌پور در منزل خود دچار عارضه تنفسی می‌شود. اما به رغم اصرار خانواده‌اش بر رساندن او به بیمارستان، ترجیح می‌دهد تا مصاحبه دکتر اسماعیل آذر با خودش را تا انتها ببیند. پس از پایان برنامه که آن شب بینندگان زیادی آن را تماشا کردند، همایون‌پور در بیمارستان مهارد بستری می‌شود. پزشکان مشکل جدی ای در او مشاهده نمی‌کنند اما فردا صبح که همسر همایون‌پور به بیمارستان برمی‌گردد، متوجه می‌شود که او در ساعت ۳ بامداد از جهان خاکی رخت برپسته است. مرگ او به آرامی اتفاق افتاد. درست به آرامی حضور کوتاه‌مدتش در خوانندگی در سال‌های جوانی و پس از آن سال‌ها در تحقیق و پژوهش ادبی و حضور در محافل هنری و موسیقایی. . . عجیب اینکه عباس شاپوری و علی تجویدی دو آهنگساز و نوازنده به نام و هم‌نسل همایون‌پور نیز چند روز قبل‌تر درگذشته بودند. فقدان این سه هنرمند در واقع تلنگری بود بر همه ما که به ویژه در سه دهه اخیر، آنچه‌ان که باید و شاید، از هنر و تجربه این نسل بهره نبرديم. نسلی که تحقیقاً بی‌جایگزین به نظر می‌رسند و نسل حاضر دست‌کم به لحاظ حس و حال و «آث» ویژه آثار موسیقایی فرسنگ‌ها با آنها فاصله دارند. همایون‌پور با زبان گویا و صراحت لهجه خاص خود همواره می‌کوشید تا موسیقی ناب را به جوان‌ترها بشناساند و این فاصله را کوتاه کند. اما هیچ گاه منکر گذر زمان و دل‌آزیدگی از ایام نمی‌شد و سعی نمی‌کرد خود را به اندازه یک جوان امروزی توانا نشان دهد.

روزی در محفلی، یکی از علاقه‌مندان موسیقی با بیان ضرب المثل «دود از کنده بلند می‌شود»؛ شروع به تعریف و تمجید از سرزندگی و شادابی همایون‌پور کرد. اما او ضمن تشکر از ابراز محبت آن دوست، شعری را خواند که همیشه در آواز ماهور اجرا می‌کرد: «روز پیری پادشاهی هم نمی‌آید به کار / زندگی در خاکبازی‌های طفلان است و بس!» همایون‌پور هرچند هنوز هم دلش می‌خواست تا آوازهایی را بخواند و منتشر کند اما تا سال‌ها امکان عرضه آثارش را پیدا نکرد و بعد هم که این فرصت پیش آمد دیگر پیری از یاد رسیده بود و . . .

منوچهر همایون‌پور در سال ۱۳۰۳ در بروجرد به دنیا آمد. این کودک آنچه‌ان که بعدها خود می‌گفت در دوره دبستان بیش از همه به درس شعر و ادبیات فارسی علاقه نشان داد. منوچهر با از بر کردن و خواندن اشعار فارسی در سر صفت مدرسه نخستین حضورهای خود در جمع را تجربه کرد. عشق به ادبیات گرانبهای فارسی، منوچهر

موسیقی و تجسمی

یادی از مرحوم منوچهر همایون‌پور

ده روزه عمر این همه افسانه ندارد

علی شیرازی



را به سمت گوش دادن به صفحه‌های آواز خوانندگان قدیم ایرانی سوق داد. هنرمندانی چون تاج، قمر، روح انگیز، ادیب و ظلی که هر یک اثر خود را بر صدای خود گذاشتند و به مرور به کار تکمیل هنر او آمدند؛ چرا که منوچهر از سنین ۸–۷ سالگی تصنیف‌ها و آوازهایی را که دوست می‌داشت بر لب زمزمه می‌کرد. او در جایی به کنایت استاد خود را همین آثار دانسته است:

«استاد تو عشق است، بدان چا چون رسیدی / عشقت به زبان حال گوید چون کن»

ضمن آنکه پس از تأسیس رادیو، پخش زنده ساز و صدای استادان موسیقی با حجمی دلپذیر برای او بهترین کلاس محسوب می‌شد. کلاسی که دو سال بعد از راهیابی همایون‌پور به رادیو در سال ۱۳۲۶ در محضر «ابوالحسن صبا» یگانه موسیقی ایرانی به شکل حضوری و مستقیم تبدیل شد. همایون‌پور همواره از این اتفاق به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین رویداد زندگی خود نام می‌برد. چرا که در نزد صبا پایه‌های ضرب و ریتم و بعضی گوشه‌های مشکل‌ر دیف آوازی و همچنین شیوه‌های تلفیق شعر و آهنگ را فرا گرفت. در کنار این‌ها با همکاری ارکسترهای مختلف رادیو به سرپرستی هنرمندانی چون ابراهیم منصوری، جواد معروفی، روح‌الله خالقی و حسین یاحقی آثار فراوانی را اجرا کرد و صدای خود را به خانه‌های مردم برد. همایون‌پور در آواز خوانی خود را به «سبک و اسلوب سپاهانی، با ویژگی تلفظ صحیح شعر و انتخاب آن متناسب با زمان و مکان» پاینده می‌دانست. متأسفانه بیشتر این آثار دستخوش نامهربانی‌های زمانه شدند و از بین رفتند و در مدت زمانی نخستین حضورهای خود در جمع را تجربه کرد. عشق به ادبیات گرانبهای فارسی، منوچهر

درباره تازه‌ترین اثر گروه نور

آلبا، سحر و ریشه‌های کهن

آروین صداقت کیش

قرار گرفتن فیزیکی نوازندگان میسر می‌سازد. البته مشخص است که نتیجه نیز چندان با ارزش نخواهد بود. آلبا اثری است که حاصل تلاش حدوداً دوساله گروه نور– برای کنار هم گذاشتن موسیقی ایرانی و موسیقی مقدس پیش از دوره رنسانس– در آن جمع شده است. در این اثر (براساس دفترچه همراه سی‌دی) تلفیق در بیشتر اوقات از طریق یافتن شباهت‌هایی میان فضای موسیقی دستگاهی و مدهای کلیسایی (شباهت‌های مدال) با رابطه مفهومی میان کلام انتخاب‌شده (همگونی معنایی، کلامی) و یا هر دو این موارد صورت گرفته است. در اکثر قطعات برای ایجاد یک بستر مدال مشترک از همگونی یا نزدیکی ترتیب فواصل در دو موسیقی کمک گرفته شده است و از آنجایی که تنها مشخص‌کننده فضای مدال، ترتیب و نسبت ابعاد با یکدیگر نیست، آهنگساز گاه مجبور شده‌است که برای ایجاد امکان تلفیق، نقش (فونکسیون) صداها را کمرنگ کند یا تا حدودی که به مخدوش شدن کلی مد منجر نشود، آنرا ندیده بگیرد. برای مثال در قطعه سماع

شباهت اولیه میان مقام نوا و مد آواز انتخاب‌شده درست به همین دلیل فقط چند لحظه دوام می‌آورد و دقیقاً همان لحظاتی که هر دو متن آوازی همزمان اجرا می‌شوند نوعی عدم هماهنگی به چشم می‌آید که بیشتر حاصل منطبق نبودن نقش صداها در این دو مد است. برای روشن‌تر شدن این قضیه اثری که صدای پیش از

این فصلیه اثری که صدای پیش از

می‌کند. سید مهدی میر مهدی خواننده و از دوستان آن

زنده‌یاد درباره صراحت‌لهجه همایون‌پور خاطره جالبی

را نقل می‌کند: «روزی در جلسه‌ای یک خواننده نسبتاً جوان آواز خوبی با همراهی ساز سه‌تار اجرا کرد با فضای خوبی که به وجود آمده بود درست قبل از فرود آمدن ساز در مایه اولیه، خواننده دیگری بلافاصله شروع به خواندن کرد. مرحوم همایون‌پور که در جلسه حضور داشت با صراحت ویژه خود به خواننده دومی گفت هیچ گاه صحیح نیست که دو خواننده به صورت پی‌درپی و بدون فاصله از آواز یکدیگر شروع به خواندن کنند. الان فضای این چا پر از حس صدا می‌خوانده قبلی است. هر صدایی رنگ و حس ناب خود را دارد و باید میان اجرای دو آواز از دو شخص متفاوت فاصله و تنفسی وجود داشته باشد. مگر اینکه دو خوانندگی با هماهنگی قبلی بخواهند به همخوانی و هم‌آوایی بپردازند که داستان جداگانه‌ای را می‌طلبد. همایون‌پور همیشه با همین صراحت نظر خود را ابراز می‌کرد.»

ناصر مجرد دیگر خواننده و دوست همایون‌پور نیز خاطرات زیادی از کوهپیمایی به همراه آن هنرمند از دست رفته دارد و می‌گوید: «ایشان تا همین سه ده سال پیش با وجود سن بالا مرتب به مسیر درکه سر می‌زد. در مسیر کوهپیمایی ضمن اجرای آواز در مورد شرایط موجود موسیقی صحبت می‌کرد و حتی کار تک‌تک خوانندگان را نقد می‌کرد. مثلاً می‌گفت فلانی باید بیشتر قدر صدا و جوانی خود را بدانند و از این گونه اظهارنظرهای دلسوزانه و کارشناسی. مطلب مهمی که همایون‌پور همیشه به آن اشاره می‌کرد دلخوری او از بازخوانی و بازسازی آهنگ‌های قدیمی رفته دارد و می‌گوید: «ایشان تا همین سه ده روزه عمر این همه افسانه ندارد»

بهرام سارنگ خواننده‌ای که این تصنیف را موقع خاکسپاری همایون‌پور در قطعه هنرمندان اجرا کرده درباره او می‌گوید: «ایشان بسیار خوش برخورد بود و فروتنی خاصی داشت. همیشه دانسته‌های خود را به راحتی به جوانان انتقال می‌داد. در مقابل هیچ پرسشی نمی‌گفت حالا باشد تا بعد جواب دهم! از نظر ادبی حتی با جزئیات اشعار به خوبی آشنا بود. معتقد بود که اساس و پایه موسیقی آوازی ما بر شعر بنا شده و اگر کسی در این زمینه مستقیم بنیاد باشد آواز او بر دل نخواهد نشست. همچنان که حرف‌ها و آواز‌های او به خوبی بر دل‌ها می‌نشست.»

همایون‌پور در آواز سبک و سیاق و صدای ویژه خود را داشت. از دید تخصصی پس از شنیدن صدای او معلوم می‌شد که پیش کسی آموزش مستمر ندیده‌ام در عین حال صدایش چنان از صلابتی برخوردار بود که نشان از انس و الفت و حشر و نشر او با بزرگان موسیقی داشت. «به قول شجریان تحریر‌های غنه همایون‌پور از کمتر خواننده ایرانی شنیده شده و تنها جمال وفایی توانست تا حدودی به این سبک نزدیک شود. شجریان همواره کار همایون‌پور را می‌ستود. «مظفر شفیندی شاگرد برجسته محمدرضا شجریان با بیان این مطلب بر صریح‌اللهجه بودن و رک‌گویی همایون‌پور تأکید



شاهد در دستگاه نوا دارد و تفاوت آن با آنچه در آواز قرون وسطایی همراهش مشاهده می‌شود جالب توجه است (در دستگاه نوا این صدا ککش بسیار زیادی به سوی شاهد از خود نشان می‌دهد در حالی که در آواز قرون وسطایی همراه، کشش با این شدت مشاهده نمی‌شود) هر گاه دو موسیقی را همزمان یا با اختلاف زمانی کم می‌شنوم احساس نوعی ناپایداری روی صدای مشابه در مد قرون وسطایی به وجود می‌آید که مربوط به تغییر یا تقابل میان نقش‌هاست. به همین دلیل است که آهنگساز مجبور شده بیشتر از کلاژ تکه‌های ملودی به صورت افقی استفاده کند تا از برخورد میان عناصر غیرقابل جذب جلوگیری کند؛ امری که باعث شده بیشتر قطعات این مجموعه سرشتی خطی پیدا کنند و تا حدودی ترکیب عناصر موسیقی مکتابیتی به نظر برسد. البته دانش آهنگساز از موسیقی غرب باعث شده که کیفیت آثار ارائه شده تا حد زیادی این نقص اثر را (که مشکل بیشتر آثار موسیقی تلفیقی نیز هست) بپوشاند. از سوی دیگر گرایش او به موسیقی آوازی غرب باعث شده در اکثر آثار ارائه شده در سال‌های اخیر از کیفیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است و اثری است که نمی‌توان از آن بدون توجه گذشت.

سال سوم ■ شماره ۷۲۹ *شرق*

ریتم

کلاه سه‌گوش

ترجمه طاها پشوا

مراحل تکمیل باله کلاه سه‌گوش ساخته امانوئل دوفایا طی سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۹ انجام شد. در واقع این باله نسخه تکمیل‌شده پانتومیمی به همین نام است که برای اولین‌بار در اوایل تابستان سال ۱۹۱۹ در لندن به اجرا گذاشته شد. البته از این اثر اجرای مشهوری نیز در سال ۱۹۷۳ توسط ارکستر سمفونیک بوداپست به رهبری گئورگی لهل صورت گرفته که همواره از آن به عنوان اجرایی تکرارناشدنی یاد می‌شود.

از نکات جالب توجه در سازبندی این باله می‌توان به حضور پیانو در جمع ارکستر یاد کرد. در هر حال در آثار متعارف که برای اجرا توسط یک ارکستر سمفونیک نوشته شده‌اند معمولاً پیانو جایگاهی ندارد. تنها از سده بیستم به بعد برخی از آهنگسازان نوگرا برخلاف سنت این ساز را نیز به عنوان یکی از سازهای ارکستر با اهمیتی برابر با دیگر سازها به کار گرفتند که البته نمی‌توان امانوئل دوفایا را جزء این دسته از آهنگسازان نوپرداز قلمداد کرد. چرا که او همچنان خود را مقید به رعایت بسیاری از قواعد ارادادهای سنتی در آهنگسازی می‌کرده و گویی به کارگیری پیانو از سوی او به عنوان یکی از سازهای ارکستر تحت رعایت یک‌سری ملاحظات کاملاً محافظه‌کارانه صورت گرفته است.

شاید بتوان ادعا کرد که از میان آثار با ریشه اسپانیایی آهنگسازان چهار قرن اخیر، بیشترین توفیق نصیب کارهای دوفایا شده است. در واقع دستاوردهای دوفایا در زمینه موسیقی اسپانیایی با دستاوردهای بلاروتوک و وگنان ویلیامز در زمینه موسیقی مجار و موسیقی سرزمین بریتانیا قابل مقایسه است. هر سه نفر در شیوه شخصی کاری خود، عناصر موسیقی بومی سرزمین خود را اساس قطعات به اصطلاح «کلاسیک» قرار داده‌اند تا جایی که این عناصر نه تنها اصالت خود را حفظ کرده‌اند بلکه به نحوی شکل تکامل یافته خود را پیدا کردند. فایا از این بخت برخوردار بود که در یک فضای اسپانیایی ناب قرار گیرد و هوای آن را به‌وی‌واسطه‌ترین شکل ممکن تنفس کند. او تقریباً خود را وقف همین موسیقی و اعتلای آن کرد. حیات او تماماً تقابلی بود برای اعاده بر یادرفته‌ای که در عصر طلایی حضور آهنگسازان تاریخ‌ساز این موسیقی در اروپا به بعد کسی بدان عنایتی درخور نشان نداده بود.

تقریباً نخستین گام بلند دوفایا در این راستا معرفی اپرای *Lia Vida breve* بود که حدوداً در سال ۱۹۰۵ به اتمام رسیده بود. از همین نقطه بود که مصنف توانست رشته اصلی کارش را بیابد و به هر حال همین امر در عین سادگی مستلزم مکاشفه‌ای وقت‌گیر و کاملاً طاقت‌فرسا بود. اپرای بعدی دوفایا نیز که کاملاً در راستای رویکرد پیشینش قرار گرفته بود نیز در میان سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲ تکمیل شد. در سال‌های اولین جنگ جهانی و در حینی که فایا پس از غیبتی هفت‌ساله مجدداً به اسپانیا بازگشت پایه‌های ارزنده‌ترین خدمات فایا به موسیقی اسپانیایی ریخته شد. در این احوال مصنف بیش از پیش به‌فم‌هایی نظیر باله و اپرا می‌اندیشید و شاید این امر واکنشی باشد در برابر فضای غالب‌سازی در موسیقی فرانسوی که آهنگساز این مدت هفت‌ساله را در آنجا سپری کرده بود.

خاستگاه کلاه سه‌گوش در وهله نخست به همین دوره بازمی‌گردد. دوفایا پیش از آن در اندیشه تصنیف یک اپرا براساس همین داستان بود منتها در میانه کار موانع زیادی موجب شد که مصنف از تصنیف اپرا صرف‌نظر کند. بعدها به تشویق یکی از دوستانش به‌نام سرگئی میاکلیف مجدداً به کلاه سه‌گوش اما به فرم یک باله اندیشید. منتها برای نخستین‌بار در سال ۱۹۱۷ در مادرید این باله به شکلی تکامل نیافته و به فرم پانتومیم اجرا شد که بعدها نسخه تکمیل‌شده باله با همکاری میاکلیف در لندن به روی صحنه رفت. داستان این باله براساس رمانی از پدرو دو آلارکون که در قرن نوزدهم پدید آمده نوشته شده است. غنای کمیک در این رمان که زندگی روستایی اسپانیایی را به تصویر می‌کشد از وجوه ممتاز آن به شمار می‌رود. یکی از خصلت‌های بارز موسیقی کلاه سه‌گوش این است که طی آن ریتم غالب میان میزان دو ضربی ترکیبی شش‌هشتم و میزان سه ضربی ساده سه‌چهارم تغییر حالت می‌دهد و همین روند تأثیری تماماً اسپانیایی ایجاد می‌کند. روش دوفایا در قیاس با مندهایی که باژتوک و ویلیامز برای کار خود در نظر می‌گیرند دارای تفاوت‌های بنیادی است و به همین سبب اثری که توسط دوفایا پدید می‌آید مشخصه‌های منحصر به فردی پیدا می‌کند. نام امانوئل دوفایا تا به امروز به عنوان پدیدآورنده موسیقی غنی برگرفته از فرهنگ اسپانیایی ماندگار بوده و همچنان پاینده خواهد ماند.

کنسرت رولینگ استونز در چین

دوچه‌وله: گروه پرواز «رولینگ استونز» در روز هشتم ماه آوریل به آرزوی دیرینه خود خواهد رسید و برای نخستین بار کنسرتی در چین برگزار خواهد کرد. این گروه پرطرفدار طی چند دهه فعالیتش بارها قصد داشت که به چین به روی صحنه برود، اما پیش از همه با مخالفت رهبری کمونیست چین روبه‌رو شد که موسیقی راک را نوعی «لودگی روحی و مغزی» تلقی می‌کرد. کنسرتی که در راه است، در شهر بزرگ شانگهای برگزار خواهد شد. آخرین بار در ماه اکتبر سال ۲۰۰۳ میلادی بود که رولینگ استونز برگزارگر دو کنسرت در چین را برنامه‌ریزی کرده بود، اما به علت شیوع بیماری خطرناک سارس در چین، این دو کنسرت را لغو کرد. این گروه در همان دهه هفتاد میلادی سعی داشت که در چارچوب تورهایش به آسیا در چین هم کنسرت برگزار کند، اما همیشه با مخالفت رهبری کمونیست چین روبه‌رو می‌شد. از این رو کارشناسان و منتقدان مقامات چین با برگزاری کنسرت رولینگ استونز در سال ۲۰۰۳ را پیشرفت و موفقیتی بزرگ تلقی می‌کردند.